

کتاب

مورد باورنکردنی پروفیسور فینکلشتاین!

چرامادر ایران فینکلشتاین نمی خوانیم؟

محمد علی یزدانبار

دبیر گروه کتاب

Mohammadaliyazdanyar@gmail.com

دروغ چرا؟! مسأله فلسطین رهایم نمی کند و فکر هم نمی کنم حالا حالاها دست از سرم بردارد. تمام زمان هایی که در طول روز به این فاجعه ممتد انسانی فکرمی کنم به کنار، روزی دوالی سه ساعت از وقت من فقط به دیدن ویدیوها، مصاحبه ها، مستندها و مطالعه مقالات بین المللی و معتبر در مورد اشغال فلسطین و موجودیت اسرائیل، نحوه شکل گیری صهیونیسم، استفاده تاریخی از کارت «یهودی ستیزی» به عنوان سلاحی برای جلوگیری از انتقاد علیه رژیم اشغالگر و دیگر موضوعات مرتبط اختصاص پیدا می کند. در این میان با فردی آشنا شدم که پیش از این چند باری نامش را شنیده بودم و در حال حاضر برای من نمادی است از سواد، انسانیت، شرافت، مطالعه دقیق و شجاعت به شکل همزمان و بسیار افسوس می خورم که چرا پیش از اینها او را نشناخته بودم. این مرد که شاید شما هم نامش را شنیده باشید، پروفیسور «نورمن فینکلشتاین» استاد دانشگاه، نویسنده و فعال سیاسی- اجتماعی یهودی- امریکایی است که هر دو والدین او از بازماندگان پاکسازی نژادی آلمان نازی در هولوکاست هستند. فینکلشتاین را در جهان غرب به عنوان «مرد نامحبوب تندر» می شناسند، او حالا چهل سالی می شود که به شکل مستمر و خستگی ناپذیر در دفاع از حق حاکمیت فلسطین بر سرزمین خودش، علیه اشغالگری رژیم صهیونیستی، علیه آرتا تاید قانونی و علیه جنایات جنکی و نسل کشی سازماندهی شده نظام سیاسی حاکم اسرائیل مبارزه می کند و در این مسیر با استفاده از هوش، سواد، دانش و شجاعت باورنکردنی خود به الگویی برای همه فعالان سیاسی طرفدار استقلال فلسطین تبدیل شده است.

همان هفته اول بعد از «طوفان الاقصی» بود که دنبال ترجمه آثار فینکلشتاین گشتم، او نزدیک به بیست کتاب و صدها مقاله منتشر کرده که عمدتاً در مورد فلسطین هستند. تنها یک عنوان کتاب از او در ایران ترجمه شده و آن هم کتابی جمع و جور است که در مورد گاندی نوشته شده است! اولین برای ما چیزی بیش از یک فاجعه است که آثار مهم ترین دایرةالمعارف زنده اشغال فلسطین را در کشورمان کاملاً نادیده گرفته ایم! حالا شمار فضایی که کتاب های بسیار کم مایه ای در مورد تاریخ اسرائیل- فلسطین در ایران منتشر می شوند، پیدا کنید آن پرتقال فروشی را که توانسته کاری کند تا «نورمن فینکلشتاین» در ایران نه شناخته شود و نه خوانده شود. فاجعه نیست؟

فینکلشتاین

نزدیک به بیست کتاب و صدها مقاله منتشر کرده که عمدتاً در مورد فلسطین هستند. تنها یک عنوان کتاب از او در ایران ترجمه شده و آن هم کتابی جمع و جور است که در مورد گاندی نوشته شده است!

لهجه من زیر درخت آلبالو گم شده

نگاهی به کتاب

لهجه ها اهلی نمی شوند



فاطمه خانعلی زاده

خبرنگار

می پردازد. کتاب شامل ۱۰ نادرستان از نویسندگان مختلف عرب آمریکایی است که تجربیات زیسته خود را در مورد زبان مادری، وطن، جنگ، آوارگی، دلتنگی و موضوعات دیگر به کلمه درآورده اند. ترجمه چنین متن هایی کار راحتی نیست اما بتول فیروزان، مترجم ایرانی لبنانی به خوبی و با ظرافت از پس این ترجمه برآمده است.

مترجمی که دیگر در بین ما نیست و متأسفانه حتی فرصت تکمیل کردن مقدمه ابتدای کتاب را هم پیدا نکرد. در این کتاب از مواجهه افراد با زبان مادری و وطن می خوانیم. از بازگشت دوباره به وطن، از یادگاری های وطن و از زبان وطن.

البته که لهجه عربی یکی از سخت ترین لهجه ها برای پنهان کردن زیر زبان انگلیسی است و از لهجه های گهگاه بیرون زده ای می خوانیم که در جایی غریب گیر افتاده اند؛ جایی که خانه شان نیست اما تلاش می کنند تا خانه شود یا لاقل شبیه خانه شود. از سختی های این کار در نوشته ایمان مرسال می خوانیم: «بعد از این همه سال صحبت و تدریس به زبانی خارجی، بعد از این همه سال کشمکش با لهجه، هنوز هم از تفاوت صدایم در عربی و انگلیسی یکه می خورم.

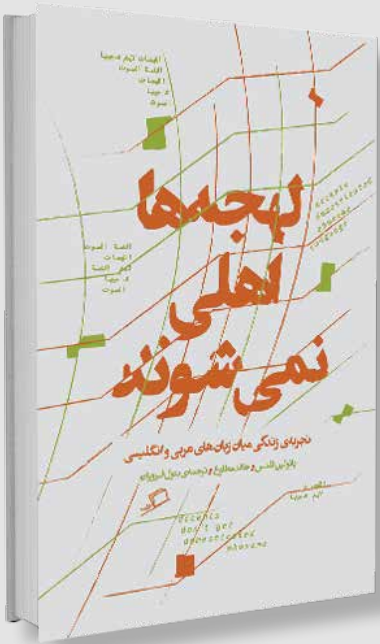
نه اینکه بهتر یا بدتر باشد، فقط متفاوت است.

یادم هست که وقتی اتفاقی صدای ضبط شده ام را از دستگاه پیغام گیر خانه دوستی شنیدم، چقدر بهت زده شدم. صدای من در آن پیغام، صدایی سرگشته و مضطرب بود؛ صدایی لهجه دار.»

زبان مادری چیست؟ زبانی که از کودکی می آموسیم و با آن سخن می گوئیم؟ یا چیزی فراتر از این در دل زبان مادری نهفته است؟ آیا غیر از این است که زبان مادری هیچگاه فراموش آدم نمی شود؟ آیا غیر از این است که ما زبان مادری را بدون هیچگونه آموزش مستقیم می آموسیم؟ انگار دانه ای در دل بودنمان بوده که در توجه مهر خانواده و وطن آبیاری و رشد می کند، می پرورد، بزرگ می شود و شکوفه می دهد.

کسی را در جهان می شناسی که هیچ زبانی نداشته باشد؟ کودکی اسکیمو که در دورترین و غیرقابل دسترس ترین نقطه آلاسکا در میان برف ها زندگی می کند یا کودکی آفریقایی که در جزیره ای دور افتاده در میان آب ها زندگی می کند یا کودکی که در دل شهری شلوغ با ساختمان های بلند و به هم چسبیده متولد می شود، همه بالاخره زبانی را می آموزند و این زبان جزئی از بودن و هویت آنهاست.

حال به هر نقطه دیگری از جهان که می خواهی سفر کن و هر زبان دیگری که می خواهی را بیاموز. در نهایت شب، وقتی دلتنگی وطن تبدیل به بغضی سنگین شده و راه گلویت را بسته است، به کدام زبان فکرمی کنی؟ حرف های مادرت را به کدام زبان به خاطر می آوری؟ تو در کدام زبان و با کدام زبان زندگی می کنی؟ نشر اطراف مجموعه «زندگی میان زبان ها» را برای پاسخ به همین سؤال ها تهیه و منتشر کرده است. «لهجه ها اهلی نمی شوند» کتاب دوم از این مجموعه است که به تجربه زندگی میان زبان های عربی و انگلیسی



حال به هر نقطه دیگری از جهان که می خواهی سفر کن و هر زبان دیگری که می خواهی را بیاموز. در نهایت شب، وقتی دلتنگی وطن تبدیل به بغضی سنگین شده و راه گلویت را بسته است، به کدام زبان فکر می کنی؟ حرف های مادرت را به کدام زبان به خاطر می آوری؟ تو در کدام زبان و با کدام زبان زندگی می کنی؟